

پرسه در خبر

در هفته بزرگداشت روز جهانی تاتار

بزرگداشت ۱۴ پیش‌کسوت

● گروه هنر: بزرگداشت ۱۴ هنرمند پیش‌کسوت تاتار و اهدای مدالیوم خانه تاتار از طرف انجمن تاتار کودک و نوجوان به رضا فیاضی و به فرزند زنده‌یاد باغچه‌بان از جمله برنامه‌های هفته بزرگداشت روز جهانی تاتار است.

در نشست خبری هفته بزرگداشت روز جهانی تاتار که با دبیری سهراب سلیمی برگزار می‌شود، او با بیان اینکه در زمان برگزاری جشن‌های خانه تاتار از ۱۴ پیش‌کسوت هنرمند تجلیل خواهد شد، اظهار خرسندی کرد از اینکه بعد از ۱۱ سال حضورش در خانه تاتار، نخستین نشست مطبوعاتی را در ساختمان جدید برگزار می‌کنند.

سلیمی گفت: هیئت‌مدیره خانه تاتار تصمیم گرفته بدون درنظرگرفتن شرایط نهاده‌ها و اسپانسر‌ها با ۷۰۰میلیون تومان کار را شروع کند و من امیدوارم با رایزنی‌هایی بتوانیم برخی هزینه‌ها را تأمین کنیم. او با بیان اینکه سال گذشته شرایط محیطی ما تا پردیس خاوران، متروها و برخی پارک‌ها را نیز پوشش می‌داد، افزود: متأسفانه امسال تمام تمرکزمان را بر شرایط بیرون و درون خانه هنرمندان قرار دادیم و نمایش‌ها در تالار انتظامی اجرا خواهند شد.

سلیمی با اشاره به برنامه‌ریزی انجمن کارگردان‌ها و طراحان لباس عنوان کرد: انجمن کارگردان‌ها فستیوالی از گروه‌های جوان و گمنام برگزار می‌کند؛ گروه‌هایی که تا‌حال هیچ امکانی برای اجرای آثارشان در صحنه نداشتند. نکته دیگر اینکه یک شورای داوری برای انتخاب آثار آنها درنظر گرفته شده و در نهایت بهترین گزینه کارگردانی به مدالیوم خانه تاتار دست پیدا می‌کند. در بخش طراحی لباس نیز تا سال گذشته تنها یک مرحله آزمون برگزار می‌شد، ولی امسال در کلیت جشن یک سمپوزیوم به صورت بین‌المللی با توجه به گروه‌هایی از تمام دانشکده‌ها، استادان و طراحان حرفه‌ای کشور تشکیل خواهد شد که از اینها دعوت شده در ورکشاپ‌های این هفته حضور یابند. ماکت‌های طراحی‌شده این گروه ضمن رقابت به داوری می‌رسند و در نهایت در نمایشگاه‌هایی به نمایش درخواهند آمد. بهترین گزینه‌ها نیز در گالری‌های نامی و بهار نمایش داده می‌شوند. جشن بازیگر نیز امسال روز ۱۵ اردیبهشت، از ساعت ۱۷ تا ۲۰ در تالار وحدت برگزار می‌شود.

«به وا» که نام یک شخصیت ارمنی است، نام فیلم آناهید آباد است که در بخش جهانی سی‌وششمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر اکران شد و این خود انگیزه‌ای شد که پای صحبت فیلم‌ساز مطرح این سال‌ها بنشینیم.

❖ چرا بعد از سال‌ها دستیار کارگردانی و برنامه‌ریزی در سینما، این‌قدر دیر به فکر فیلم‌سازی افتادید؟ سؤال خوبی است. واقعیت این است که آناهید آباد از روزی که تحصیلات خود را به اتمام رساند و دستپاری را شروع کرد، تصمیم به ساختن فیلم داشت.

❖ در چه رشته‌ای تحصیل کردید؟ پس این همه تأخیر برای چه؟ درواقع برای اینکه خطاها و ضعف‌هایم را روی پرده نبینم! دستیاری را پیشه خود کردم، با این برنامه که یکی، دو فیلم دستیاری می‌کنم و بعد از شناخت از سیکل کامل فیلم‌سازی، فیلم خودم را خواهم ساخت. سال ۱۳۷۴ برای اولین‌بار پروانه ساخت گرفتم. همچنین دومین پروانه ساختم را سال ۷۶ دریافت کردم و در سال ۱۳۷۸ مجدداً طرحی از من تصویب شد...

❖ پس چرا فیلمی ساخته نشد؟!

فیلم اولم که پروانه ساخت گرفت، مستند- داستانی درباره آتیک شفرازیان بود. آن‌موقع خانم شفرازیان در خانه سالمندان کهریزک بود. ابتدا از سر وظیفه به او سر زدم. خواشش کرد قبل از مرگش جلوی دوربین باشد و بازی و بازیگری کند. طرحی در ذهنم شکل گرفت که بر اساس حقیقت موجود زندگی آتیک فیلمی بسازم. مرحوم کیارستمی بانی خیر فیلم شد. با آسایشگاه کهریزک و شهرداری هماهنگ کردند و آقای بیضایی عزیز هم مشاور فیلم‌نامه شدند. آن زمان آقای ضرغامی، معاون سینمایی و دکتر رجبی، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی بودند. همان زمان فقط به دوربین احتیاج داشتم. متأسفانه بزرگ‌ترین اشتباهی که کردم این بود که به مدیریت وقت اطلاع دادم که خانم شفرازیان در کهریزک هستند. از دفتر فارابی تماس گرفتند و گفتند که از خانم شفرازیان نباید فیلم‌برداری کنید، چون ما داریم درباره ایشان فیلم می‌سازیم و هرگونه فیلم‌برداری باید با هماهنگی مدیریت وقت فارابی انجام گیرد، درحالی‌که

آن فیلمی که برایش دستور منع فیلم‌برداری داده بودند، همان فیلم من بود! یعنی حتی وقتی با هزار بدبختی خارج از فارابی دوربین ۱۶ میلی‌تری و نکاتیو هم تهیه کردم، نمی‌توانستم فیلم‌برداری کنم. الان شاید باورپذیر نباشد، ولی...

❖ یعنی آنها نمی‌دانستند شما درباره ایشان فیلم می‌سازید؟

❖ مگر قرار بود چه چیزی را درباره خانم شفرازیان به تصویر بکشید؟

آن زمان نمی‌فهمیدم چرا؟ حقیقت این‌س بود که می‌خواستم خالصانه حقیقت حال‌وهوای آخرین روزهای زندگی آتیک را ثبت کنم تا این بازیگر پیر و نجیب در آخرین روزهای زندگی‌اش یک فرصت دیگر برای بازی و بازیگری داشته باشد؛ مثلاً یک‌بار در پایان طرح فیلم‌نامه نوشتم که در کهریزک آتیک با پسرخوانده‌اش حداقل‌فاظی می‌کند. گفتند این خیلی تلخ و سیاه‌نمایی است. گفتند پایان فیلم باید این باشد که ارمنی‌ها در باشگاه آرارات برای آتیک بزرگداشت می‌گیرند! مدیران سینمایی و فرهنگی کشور هم در سالن هستند. از ابتدا بخشی از فیلم‌نامه فیلم سیاه‌وسفید بود. با آقای بیضایی صحبت کردم. گفت پیشنهاد بدی نیست بازنویسی کن و ببر. یک روز بلند شدم رفتم سالن باشگاه آرارات و صحنه آخر فیلم را نوشتم. صحنه از این قرار بود: زمانی که آتیک با ورسری سفید و موهای سپیدش در سالن تارک

هنر

گفت‌وگو با آناهید آباد درباره فیلم «یه وا» - بخش نخست

سینما چالش دائمی زندگی من است

فرانک آرتا



روی سن می‌رود. او تنها فرد حاضر در سالن است که زیر نور سفید می‌ایستد. گفتند این‌که بدتر شد، خیلی سیاه‌وسفید است! آن زمان دل‌شکسته و اشک‌آلود نزد آقای بیضایی رفتم و اتفاق را تعریف کردم. ایشان پیشنهاد داد که برو به آنها بگو، هرچه از من می‌خواهید دیکته کنید و من هم همان را می‌نویسم. [خنده تلخ] می‌دانید اشتباه من این بود که جزئیات تصویری صحنه را نوشته بودم.

❖ تحلیل آقای بیضایی از این موضوع چه بود؟ شاید درست نیست به نقل از ایشان صحبت کنم، ولی ایشان می‌گفتند هرچه می‌گویند تو انجام بده. گفت ارزش حقیقی این فیلمی که می‌خواهی بسازی از جنس عکس‌های اندرونی ناصرالدین‌شاه است که بهترین عکس‌ها از آن دوران است؛ از اینکه سندی‌تی از آن دوران ثبت شده، پس مهم الان ساخته‌شدن فیلم است نه چیز دیگر، به‌هرحال آن‌قدر لفت دادند و من را بردند و آوردند تا اینکه آتیک شفرازیان فوت کرد. شش، هفت ماه، هفته‌ای سه روز از صبح تا پنج عصر به کهریزک نزد آتیک می‌رفتم تا خاطراتش را مکتوب کنم و هم‌راشش باشم. یک‌جورهایی دخترش شده بودم. غروب که برمی‌گشتم، به فارابی می‌رفتم، چون آقای رجبی، مدیریت وقت، بعدازظهرها سر کار می‌آمد و تا ساعت ۱۱-۱۲ شب منتظر می‌ماندم تا مجوز، نکاتیو، دوربین و اجازه فیلم‌برداری بدهند. از سونی به ارشاد هم می‌رفتم. زمان آقای خاکبازان، مدیرکل اداره ارزشیابی وقت، فضائی سفت و سختی در آنجا حاکم بود. می‌توانید تصور کنید حال روزم را؟! آقای اسلامی‌مهر، قائممقام وقت فارابی، یک روز به من گفت: من با شما مشکلی ندارم، حتی شخصاً شما را تحسین نیز می‌کنم، خیلی پشتکار دارید و من از فیلم‌نامه‌تان خیلی خوشم می‌آید. گفتم ببخشید به یقین من در زندگی شخصی‌ام هرگز نمی‌آدمم بازار چلوکباب بخورم و با شما آشنا شوم تا شما با من خوب یا بد باشید. اصلاً خوب و بد بودن شخصی در پستی که شما دارید، چه اهمیتی دارد. حقیقت این است که ماه‌هاست می‌روم و می‌آیم و شما که این صندلی و این مسئولیت را دارید، مشکل من را حل نمی‌کنید. آقای اسلامی‌مهر، قائممقام وقت فارابی، از جوابم بکه خورد. گفت: صبر کن آقای ضرغامی، معاونت وقت سینمایی، بیاید صحبت کنیم. ایشان آمد. آقای اسلامی‌مهر، قائممقام وقت فارابی، گفت: الان می‌روم صحبت کنم. داخل اتاق که رفتم، متوجه نشد لای در باز مانده است. ایشان گفت این بنده خدا گناه دارد هر کار گفته‌ایم انجام داده، ده‌بار بار فیلم‌نامه را بازنویسی کرده، چه کار کنیم؟ چیز زیادی نمی‌خواهد، یک دوربین و چند حلقه نکاتیو که بیشتر نمی‌خواهد. آقای ضرغامی گفت: «شما دیوانه شده‌اید؟ وقتی در این مملکت درباره آیت‌الله کاشانی فیلم ساخته نشده، می‌خواهید درباره یک بازیگر زن ارمنی فیلم بسازید؟ این مصلحت است؟». ساعت ۱۲ شب بود و از فارابی خارج شدم و تا خانام گریه‌کنان دودیدم. چند روز بعد آتیک شفرازیان فوت کرد. وقتی ایشان را دفن کردیم، چند قطعه لباس نو داشت که دوستانی مثل خانم معتمدآریا و من و دیگران برایش خریده بودند، آنها را به ساکنان کهریزک بخشیدیم. وسایلش را تحویل گرفتم؛ عکس و وسایل شخصی‌اش یک ساک کوچک بود! تنها دارایی آتیک در ساکش سیمرخ بلورینش بود که می‌خواستم تحویل موزه سینما بدهم، ولی آن‌هم کم شده بود! ولی باین‌حال آرزو دارم یک روز قصه آتیک شفرازیان را بسازم. همان موقع آقای کیارستمی توصیه کرد با یک رویکرد جدی فیلم‌نامه را بازنویسی کنم و بسازمش؛ اما آن موقع حالم خیلی بد بود و ناامید بودم.

❖ فیلم‌نامه‌های بعدی چه بود؟ چندین فیلم‌نامه دارم که هرکدام قصه‌های مشابهی دارند؛ اما بعدی‌اش «تنها بازمانده» است. ساخت فیلم «یه وا» هم کلی طول کشید. دوره آقای احمدی‌نژاد فیلم‌نامه «یه وا» را دادم که تصویبش سال‌ها طول کشید. آقایان سجادی‌پور و شمقدری، معاونت سینمایی و مدیرکل وقت ارشاد، مشکلشان با من بود. با من مشکل داشتند و دلیلش هم مسائل «خانه سینما» بود. بارها فیلم‌نامه را رد کردند. تا اینکه آقای روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری پیروز شدند. در دوره آقای یونیس خدا را شکر فیلم‌نامه پروانه ساخت گرفت، ولی سختی‌های تأمین بودجه پیش آمد. برای پروانه ساخت را مدیون آقای تقی‌قلی‌زاده به‌عنوان تهیه‌کننده

فیلم هستم که ایشان اقدام به گرفتن پروانه ساخت کرد. سرمایه هم با مشارکت مرکز سینمایی ارمنستان، بنیاد سینمایی فارابی و سرمایه‌گذاری بهروز پاک‌نهاد تأمین شد. اگر این مشارکت نبود شاید نمی‌توانستم این فیلم را بسازم.

❖ فیلم «یه وا» فیلمی عاشقانه و بی‌ادعاست و نشان می‌دهد چقدر آدم‌هایی که عاشقانه زندگی می‌کردند، زندگی و عشق‌شان به واسطه جنگ بر باد رفت. با وجود فیلم‌اولی‌بودن، نشان می‌دهد فیلم‌سازی کاربلد پشت آن است. قبل از هرچیز می‌خواهم بگویم چرا در جشنواره ملی فیلم فجر به نمایش درنماد؟ البته خوشبختانه امسال در جشنواره جهانی فیلم فجر پذیرفته شد.

به ما هیچ جواب رسمی‌ای ندادند. آن زمان از دبیر جشنواره تا اعضای هیئت انتخاب صحبت‌های متناقضی دراین‌باره داشتند. حتی گفتند جزء فیلم‌های انتخاب‌شده بوده است. آنچه مهم است، این است که هر جشنواره‌ای ضوابط خودش را دارد؛ می‌تواند فیلم‌هایی را انتخاب کند یا نکند. وقتی وارد این بازی می‌شوی، قوانین را هم قبول می‌کنی. قطعا این حق برای‌شان محفوظ است که فیلم را انتخاب کنند یا نکنند؛ اما این اشکال دارد برای فیلم تصمیم بگیرند که چه مسیری را طی کند. شنیده‌های ما این بود که بر این نظر هستند که فیلم خارجی است و بهتر است به جشنواره جهانی فجر برود.

❖ از چه نظر خارجی است؟

من هم متوجه نمی‌شوم؛ چون به گمان من این فیلم ایرانی است؛ اما بازیگر و زبان فیلم ارمنی است. در واقع این فیلم هم ایرانی و هم ارمنی است.

❖ اما عوامل اصلی فیلم که ایرانی هستند؟

بله. مگر فیلم آمریکایی که در چین ساخته می‌شود، در اسکار آمریکا نیست؟

❖ شاید چون می‌گویند زبان آن فیلم انگلیسی است.

برعکس بهترین نمونه‌اش فیلم «مصابب مسیح» مل گیسون است که زبان فیلم عبری است و بیشتر لوکیشن‌ها در اسرائیل است. پس چه ربطی به سینمای آمریکا دارد. این منطق کفایت نمی‌کند! آیا این نظریه را که مثل هر سینمایی پیشرفته در هر جای دنیا، تولیدات مشترک می‌تواند یکی از فیلهای فعالیت سینمای ملی باشد، قبول نداریم؟ اینکه پول تأمین کنیم و مشارکت کشور دیگری را جذب کنیم، به این معنی نیست که فیلم خارجی است.

❖ شما و آقای قلی‌زاده اعتراض نکردید؟

خیر.

❖ چرا؟

به چه چیز اعتراض کنیم؟ نتیجه چه خواهد شد؟ فکر می‌کنم خود فیلم باید حقانیتش را پیش ببر. من باید اعتراض می‌کردم که چه حقانیتی را به اثبات برسانم؟ آقای قلی‌زاده آن زمان در مصاحبه‌ای که داشت، گفت ان‌شاءالله همه فیلم‌هایی که انتخاب شده‌اند بهتر از «یه وا» باشند. این آرزوی ما برای سینما بود. کاش در سال گذشته همه فیلم‌ها بهتر از فیلم ما می‌بود و ما از دیگر فیلم‌ها یاد می‌گرفتیم. حال مخاطب، منتقدان و کارشناسان باید نظر دهند.

❖ به حرالت فیلم‌ساز زن بودن، تاوان داردا!

بله. البته خدا را شکر افرادی که نظرشان برای من خیلی مهم هستند درباره فیلم نظرات بسیار مثبتی دارند. خانم روشنفکر و صاحب‌نظری در اولین نمایش فیلم گفت: تو چطور در این روزها این‌طور فکر می‌کنی؟ این‌طور فیلم می‌سازی چطور از خودت صیانت می‌کنی؟ گفتم گریه می‌کنم. گفت چه خوب!

❖ قصه‌ای که شما انتخاب کرده‌اید مربوط به کشور ارمنستان است.

❖ چرا قصه‌ای ایرانی را انتخاب کردید؟ قصه یک زن ارمنی که در ایران است.

بسیتر زایش قصه جای ساخته‌شدنش را ایجاد می‌کنند. در هر جای دنیا که بحران جنگ را از سر گذرانده این فیلم می‌تواند در آنجا ساخته شود. برای من فیلم‌سازی فقط گفتن یک قصه نیست. کل سینما، درآوردن جنس، فضا، اتمسفر و روایت روی پرده برای من جذاب هستند. صرفاً اینها فرهنگی است که من با آن آشنا هستم و برای فیلم اول فکر می‌کردم شاید اجرایش برابرم راحت‌تر خواهد بود.

❖ حس زنانه فیلم دلنشین است. اینکه زنی در جنگ عزیزی را از دست می‌دهد و وارد دنیایی می‌شود که شناختی از آن ندارد. با اینکه با فرهنگ مردم ارمنستان خیلی آشنا نیستم، ولی کاملاً مشخص است که این فیلم را یک زن درباره زنی دیگر ساخته.

به نظرم مهم نیست این فیلم در کجا ساخته می‌شد. برای من درآوردن حسی که خودم به موقعیت انسانی دارم مهم است. شاید در روزمرگی‌ام مستر است. هر تجربه‌ای در روز، هر آن، که زندگی می‌کنم همیشه به نوعی جزء غنائم‌م برای پرده است. من دفتر کوچکی دارم که حتی اگر غذایی که می‌خورم طعم خوبی به من بدهد، آن طعم را در دفترم یادداشت می‌کنم. دوستی دارم که می‌گوید می‌توانی طعم را روی پرده نشان دهی؟ می‌گویم نمی‌دانم. اما تجارب حس انسانی و ارتباطش روی پرده خیلی برایم وسوسه‌انگیز است.

❖ ادامه دارد

زیر آسمان فیروزهای

میهمانان خارجی و بازار ایرانی

● بهناز شیربانی: پردیس چارسو چندروزی است محل آمدورفت بسیاری از چهره‌های مطرح سینماست؛ جشنواره‌ای که دبیرش، رضا میرکریمی، چندسال‌ای است شیوه برگزاری‌اش را با حضور حداکتری همکارانش در حوزه سینما تبیین کرده و کار را به دست آنها سپرده و البته در کنار آنها حضور میهمانان خارجی که در میانشان برخی از کارگردانان مطرح دنیا هم حضور دارند دیده می‌شوند، اما قطعا بخشی از تعامل هنری جشنواره در بازار فیلم‌ها اتفاق می‌افتد. جشنواره جهانی فیلم فجر نیز مثل تمامی جشنواره‌های دنیا بخشی را به دادوستد هنری یا خریدوفروش فیلم‌ها اختصاص داده است. نیم‌طبقه پنجم پردیس چارسو جایی است که بخش بازار جشنواره با دکورهای قرمزرنگ پوشیده شده است و نور قرمز ورودی بازار بیشتر از هر چیزی خردنمایی می‌کند. به محض ورود، بازدیدکنندگان خارجی را در این محل بیشتر می‌بینید، وقتی با برخی از غرفه‌داران هم‌صحبت می‌شویم، ابتدا از حال‌وهوای امسال جشنواره و میزان استقبال از بازار فیلم در این دور از برگزاری جشنواره می‌پرسیم که به زعم برخی از آنها سال قبل به جهت میزان حضور خریداران خارجی، شرایط از امسال کمی بهتر بوده است و البته برخی از آنها هم از چیدمان غرفه‌هایشان که نسبت به سال گذشته تقریباتی داشته‌اند گله‌مندند، اما ظاهراً برخی از فروشندگان و خریداران در بازار، سال بهتری را به‌لحاظ کسب درآمد تجربه کرده‌اند و بازار جشنواره جهانی فجر را محل خوبی برای معرفی آثارشان می‌دانند.

بهنام وارسته، مدیر آژانس فیلم ایران که بیشتر به معرفی فیلم‌های کوتاه می‌پردازند، او که هم‌زمان مدیریت ایتالیا‌فیلم را نیز برعهده دارد و فیلم‌های خارجی را معرفی می‌کند، درباره استقبال از بازار فیلم جشنواره جهانی فجر به «شرق» گفت: «فیلم‌های خارجی که رایب دارند و قابل واگذاری هستند به‌جز فیلم‌ها استودیویی هالیوود در این‌غرفه عرضه می‌شوند، هرچند باخیر شدم که مؤسسه رسانه‌های تصویری قرار است در سینماها به صورت اکران محدود فیلم‌های خارجی را اکران کند که ما سعی می‌کنیم آن را تأمین کنیم و یکی از محل‌های اصلی تأمین فیلم‌ما هستیم».او ادامه داد: «متأسفانه امسال ویدئوسالنه‌ها را در بازار کمتر داریم، شرکت ما سعی می‌کند هرچه بهتر و بیشتر آتارش را معرفی کند و محل مراوده خوبی باشد». در ساعات پایانی بازار، بسیاری از غرفه‌ها خالی هستند و برخی از غرفه‌ها تا پایان پذیرای میهمانان هستند. یکی از غرفه‌هایی که سال گذشته توجه بسیاری را به خود جلب کرد، غرفه گروه سینمایی هنر و تجربه بود که برای بسیاری از میهمانان خارجی تازگی داشت و با گونه‌ای دیگر از سینمایی که فیلم‌های هنری را در ایران اکران می‌کند روبه‌رو شدند. هنر و تجربه امسال نیز غرفه‌ای برای معرفی عملکرد خود در بازار فیلم در نظر گرفته است. الهه گودرزی، مسئول غرفه هنر و تجربه، دراین‌باره به «شرق» گفت: «امسال هم بازدید از غرفه و استقبال از آن مثل سال گذشته ادامه داشت. میهمانانی از سفارت‌ها و رایزن‌های فرهنگی در این غرفه حاضر شدند، هرچند می‌توان گفت حضور میهمانان خارجی به نسبت گذشته در بازار کم بود. شاید به این دلیل که تنوع برنامه در جشنواره زیاد است و میهمانان در غرفه خودشان ماندگار نبودند». او ادامه داد: «در این دو، سه سال که هنر و تجربه در جشنواره جهانی فجر حضور داشته، برای معرفی به شرکت‌های خارجی بوده است و به‌نوعی عملکرد چهارساله خودمان را به مخاطبان معرفی کردیم. هرچند تصور می‌کنم دو سال پیش میزان حضور میهمانان خارجی در جشنواره بیشتر بود و به‌نسبت از غرفه هنر و تجربه هم بازدید خوبی اتفاق افتاد. امسال هم خوب بود، اما به نسبت سال‌های قبل خیلی زیاد نبود، اما هنر و تجربه جایی است که مخاطب جذب می‌کند و برای میهمانان خارجی جذاب است». گودرزی ادامه داد: «درحال‌حاضر ۴۱ کشور جهان عضو سازمان بین‌المللی هنر و تجربه هستند که ما هم عضو هستیم و در این زمینه فعالیت می‌کنند و با هم در مراوده هستند و از این جهت برای میهمانان خارجی جذاب است که ما در ایران در این زمینه چه فعالیتی انجام می‌دهیم».

شهرام و حافظ ناظری میهمانان نیکولا پیووانی

● میهمانان ویژه کنسرت نیکولا پیووانی، آهنگ‌ساز اسکارای حاضر در سی‌وششمین جشنواره جهانی فیلم فجر، اعلام شدند. به گزارش ایلنا، پیووانی

در این کنسرت که ساعت ۱۸:۳۰ چهارشنبه، پنجم اردیبهشت، در تالار وحدت برگزار می‌شود، منتخبی از قطعاتی را که پیش از این برای تعدادی از فیلم‌های سینمایی ساخته است، اجرا می‌کند. مدیران ارشد دولتی، بیش از ۲۰۰ نفر میهمان از سفارت ایتالیا، همچنین فیلم‌سازانی که فیلم‌های آنها در بخش رقابتی سی‌وششمین جشنواره جهانی حضور دارد، فیلم‌سازان خارجی حاضر در جشنواره، جمعی از استادان و رئیس دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی دانشگاه تهران، ۷۰ نفر از اعضای باشگاه هواداران جشنواره و نمایندگان از رسانه‌ها در این کنسرت که تنها یک نوبت اجرا دارد، حضور پیدا می‌کنند.